



طیب حاج رضایی به روایت اسناد؛ زندگی و عملکرد سیاسی

محمد جعفر بگلو^۱

مقدمه

طیب حاج رضایی فرزند حسینعلی بیک، در سال ۱۲۹۱ در تهران به دنیا آمد. نام خانوادگی طیب، میرطاهری بود، به طوری که در مدارک دوران تحصیلش در مدرسه نظام، این نام خانوادگی استفاده می شد؛ اما مردم وی را با نام پدر بزرگش می شناختند و او را طیب حاج محمدرضا می نامیدند. چنانکه در گواهی فوت وی نیز نام خانوادگی حاج محمدرضا ثبت شده است. بدین ترتیب، رفته رفته، این نام در بین مردم جا افتاد و با گذشت زمان، وی به حاج رضایی مشهور شد.^۲

طیب در سال های جوانی از افراد خوش سابقه نبوده و در درگیری ها و نزاع های مختلف شرکت داشت. در سال ۱۳۱۰، در حالی که عازم سفر به کربلا بود، به جرم نزاع با گروهی از لمپن های کرمانشاه، بازداشت شد. در سال ۱۳۱۶، به اتهام درگیری با پاسبان های شهربانی به دو سال زندان مجرد محکوم گردید. سه سال بعد، یعنی در سال ۱۳۱۹ به

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س).

۲. مصاحبه نگارنده با بیژن حاج محمدرضا، ۱۳۹۳/۱۱/۲۸.



اتهام نزاع تحت تعقیب بود اما به قید کفیل آزاد شد. در سال ۱۳۲۳، بنا به تصویب هیئت وزیران، طیب حاج‌رضایی، به همراه گروهی از لمپن‌ها و بزب‌بها درهای دیگر که به اتهام درگیری و چاقو‌کشی، محل آسایش جامعه شناخته شده بودند، به بندرعباس تبعید گردید.^۱



طیب حاج‌رضایی در کنار تنی چند از برادران و اطرافیان

پس از پایان دوران محکومیت، وی به تهران بازگشته و به دربار نزدیک شد. حضور وی در حوادثی چون ۹ اسفند ۱۳۳۱ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، علاوه بر ارتباط او با علمایی چون آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله کاشانی، نشان‌گر روابط نیکوی او با دربار است. پس از ۲۸ مرداد، دستگاه، با اعطای امتیازات فراوان به «تاج‌بخشان»، در صدد سپاسگزاری از آنان برآمد. در این میان به طیب حاج‌رضایی به خاطر فعالیت‌هایش در ۲۸ مرداد، یک قطعه مدال درجه‌دورست‌خیز،^۲ و چنانکه گفته می‌شود، یک قطعه زمین در جنت‌آباد اعطا می‌گردد.^۳ علاوه بر این، امتیاز واردات و خرید و فروش موز در کشور نیز در اختیار وی قرار گرفت.^۴

۱. مجتبی زاده محمدی، *لومپن‌ها در سیاست عصر پهلوی*، تهران، مرکز، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. محمود تربتی سنجابی، *کودتاسازان*، تهران، مؤسسه فرهنگی کاوش، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶.

۴. زادمرد شهید طیب حاج‌رضایی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۴۲.

با گذشت زمان، این امتیازات موجبات قدرت گیری طیب را به وجود آورد. از سوی دیگر روابط وی با علما و روحانیون سیاسی و غیر سیاسی باعث ترس رژیم از او شد. تا اینکه درگیری طیب و نصیری به نقطه عطفی در زندگانی طیب تبدیل گردیده و پس گرفتن امتیازات داده شده به وی، موجب روی گردانی او از دربار گردید.^۱ از این پس دربار حس کرد که نه تنها طیب حاج رضایی اهمیت گذشته خود را برای رژیم ندارد بلکه روابط وی با علمای مخالف، او را به مهره‌ای خطرناک بدل کرده است که در صورت سستی در تنبیه وی و کوتاه نکردن دست او، می‌تواند چالشی عظیم برای رژیم پهلوی ایجاد نماید. بنابراین دستگاه که پی به قدرت طیب در بسیج افراد و نفوذ وی در طبقات پایین و نیز منطقه بازار برده بود، تلاش نمود تا قدرت وی را محدود نماید. به همین خاطر ساواک سعی کرد تا با آزار دادن وی از لحاظ روحی و اقتصادی او را در تنگنا قرار داده و تضعیف نماید. اما این اقدام حکومت، باعث دوری هر چه بیشتر طیب از دربار و شاه و نزدیک شدن او به جبهه مقابل شد تا اینکه وی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با حمایت از امام خمینی (س)، به طور کامل رودرروی شاه قرار گرفت. رژیم نیز که در صدد تخطئه جنبه‌های دینی و مردمی قیام بود، برای بی اعتبار کردن این حرکت، بدون اینکه مدرکی ارایه دهد، شایع نمود که طیب حاج رضایی برای راه اندازی جریان ۱۵ خرداد، از شخص آیت الله خمینی پول دریافت کرده است.^۲



طیب در حال دفاع از خویش در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲

۱. مهدی عراقی، *ناگفته‌ها؛ خاطرات حاج مهدی عراقی*، محمود مقدسی و دیگران (به کوشش)، تهران، رسا، ص ۱۸۶.

۲. «اسامی عاملین بلوای ۱۵ خرداد»، *اطلاعات*، ش ۱۱۳۳، ص ۳۸، ۱۳۴۲/۴/۱۵، ص ۱ و ۱۳.



از سوی دیگر، وجود ویژگی‌های عیاری و جوانمردی در شخصیت طیب، مانع از اقرار به کذب گردید؛ به طوری که اصرار رژیم باعث نشد تا وی به دروغ اعتراف نماید که برای راه‌اندازی قیام ۱۵ خرداد، از امام خمینی (س) پول گرفته است. بدین ترتیب، پس از برگزاری چند دادگاه فرمایشی، طیب حاج‌رضایی، به موجب ماده هفتاد قانون مجازات عمومی، به جرم «ایجاد بلوا و تحریک اهالی به جنگ و قتال با یکدیگر و علیه سلطنت مشروطه»، به اعدام محکوم و در ۱۱ آبان ۱۳۴۲، به همراه محمداسماعیل رضایی به جوخه آتش سپرده شد.



پیکر شهید طیب حاج‌رضایی پس از اجرای حکم اعدام

در پایان باید به این نکته توجه داشت که اگرچه در رویگردانی طیب از رژیم پهلوی، عوامل اقتصادی و سیاسی بی‌تأثیر نبود، اما پیوستن وی به نهضت اسلامی، ریشه در باورهای مذهبی وی و اخلاق لوطی‌گرانه‌اش داشت. در واقع، پس از ۲۸ مرداد، به دنبال تحولی که در حوزه علمیه قم پیش آمده بود، آگاهانند مردم و بیدار نمودن آنان، به اهداف اصلی حوزه تبدیل شده بود. لذا طیب تحت تأثیر زمینه‌های فکری‌ای قرار گرفته بود که پس از ۲۸ مرداد توسط روحانیون حوزه به وجود آمده بود. گرایش مذهبی وی بیشتر از گرایشش به حاکمیت شاه بود، لذا این گرایش هنگامی که تحت تعلیم و تأثیر روحانیتی قرار گرفت که در حوزه با افکار نو در حال رشد بود، موجب تحول وی شد و

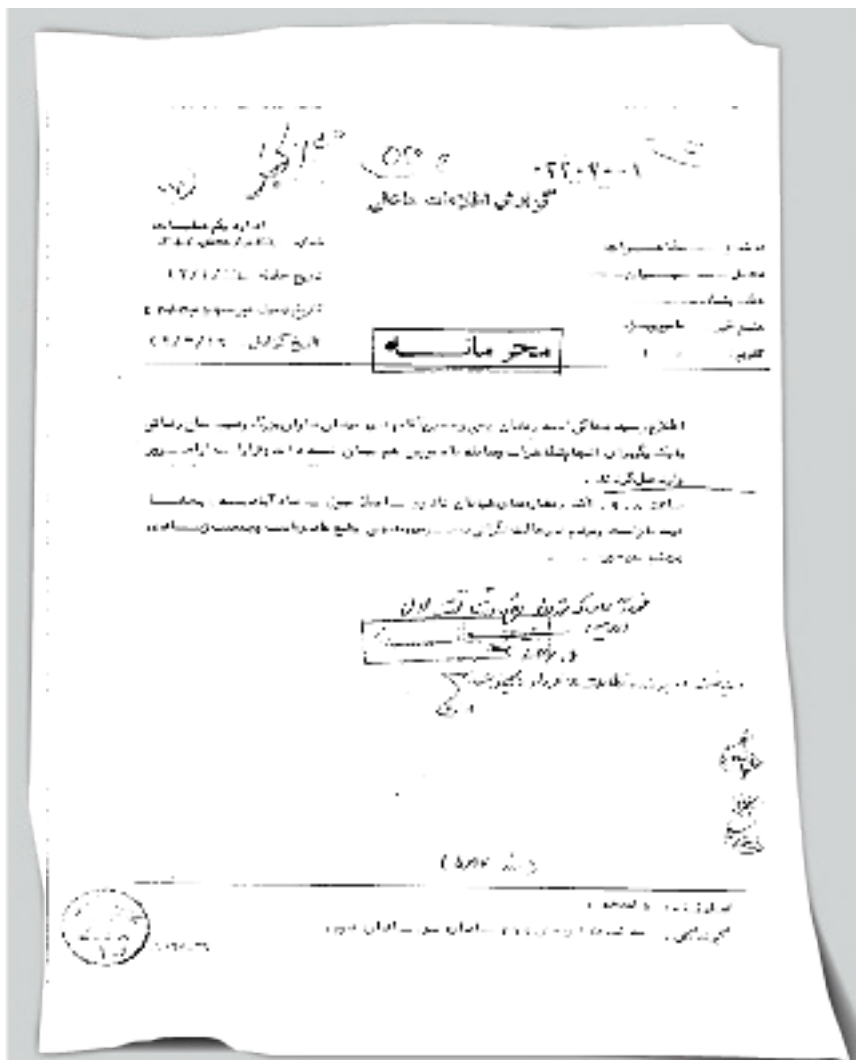
هنگامی که امام خمینی (س) در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر شد، تأثیر خود را نشان داد. به عبارت دیگر، طیب تحت تأثیر جریان حاکم بر جامعه که سرمنشأ آن روحانیون و مذهبی‌ها بودند قرار گرفته بود.

دست آخر، می‌توان به این نتیجه رسید که حضور طیب در حوادث ۹ اسفند ۱۳۳۱، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از یک عامل مشترک تأثیر می‌پذیرفت و آن ارادت و تبعیت طیب نسبت به علما و قشر روحانیون بود. چنان که در دو واقعه نخست، وی تحت تأثیر روحانیونی چون آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله کاشانی وارد صحنه شد و در قیام ۱۵ خرداد، زمانی که مشاهده نمود شاه در مقابل روحانیت قرار گرفته است، روحانیت را برگزید و در مقابل رژیم ایستاد. در ادامه به برخی از اسناد طیب حاج‌رضایی رجوع می‌نماییم که می‌تواند به فهم بهتر عملکرد وی در تاریخ سیاسی ایران کمک نماید.



طیب حاج‌رضایی در آینه اسناد

گزارش ساواک در مورد هم‌پیمان شدن طیب حاج‌رضایی و دو نفر دیگر به منظور انجام تظاهرات در ۱۵ خرداد^۱



۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد باز یابی: ۲۲۰۷، سند ش ۱.



تلاش رژیم در بی اعتبار نمودن جنبه‌های دینی و مردمی قیام ۱۵ خرداد:



اعدام طیب و حاج اسماعیل:

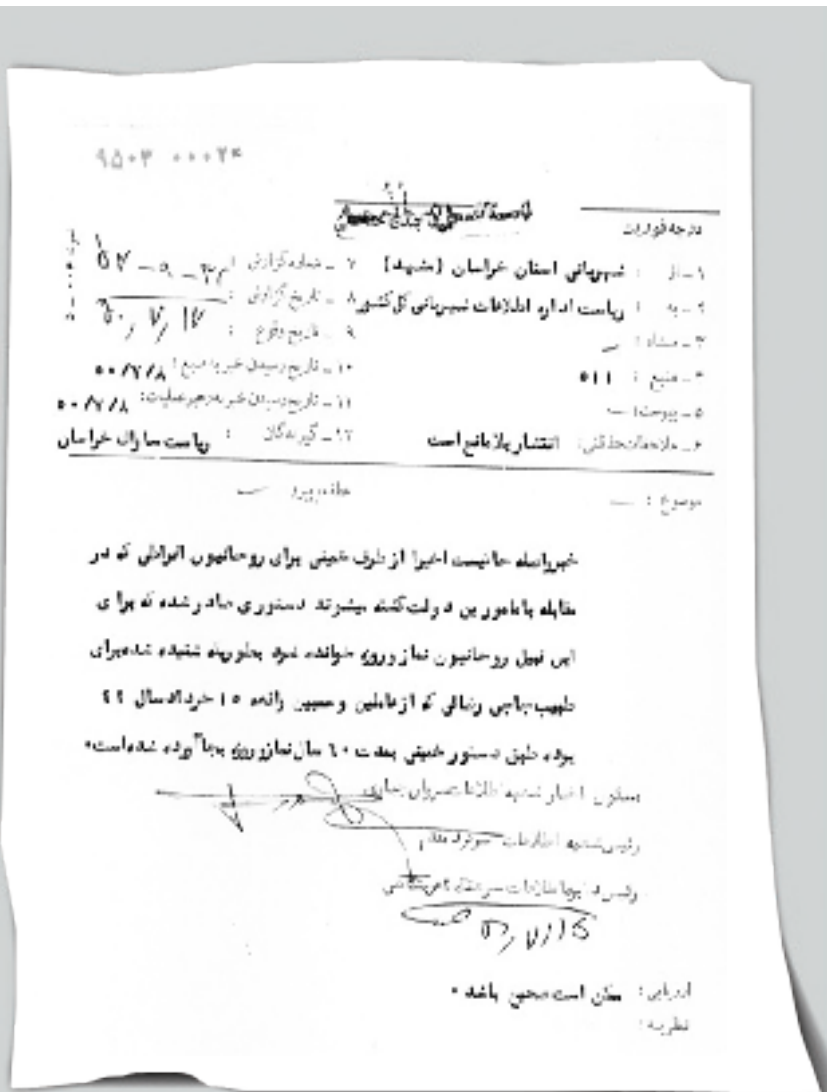


۱. اطلاعات، ش ۱۱۱۳۳، سال ۳۸، شنبه ۱۳۴۲/۴/۱۵.

۲. کیهان، ش ۶۰۸۵، شنبه ۱۳۴۲/۸/۱۱.



گزارش محرمانه اطلاعات داخلی، در مورد دستور امام خمینی (س) به منظور به جا آوردن نماز و روزه برای طبیب حاج رضایی^۱:



۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد بازبایی: ۹۵۰۳، سند ش ۷۴.

گواهی فوت طیب حاج رضایی:

طبق تقاضای شماره ۸۳۴ بانو عفت، عیال متوفی ۴۲/۹/۱۸

محل تمبر

وزارت کشور
اداره کل ثبت احوال
رونوشت خلاصه مرگ

۱۳۴۲/۸/۱۱

در تاریخ یازدهم آبان هزار و سیصد و چهل و دو شمسی، خانه/بنگاه:
...، شماره: ...، کوچه: ...، برزن: ...، شهر: تهران، قصبه/ده: ...، دهستان:
...، شهرستان: تهران، آقای: طیب، دارای نام خانوادگی حاج محمدرضا،
فرزند: حسینعلی بیک و صغری خانم، متولد ۱۲۹۱، دارنده شناسنامه
شماره ۱۲۳۹۴، صادره از شهر/قصبه: طهران، جزو دهستان: ...، تابع
حوزه ۶ اداره ثبت احوال شهرستان طهران، به مرض/حادثه: ... مرده
و مرگش در دفتر مردگان سال ۱۳۴۲ حوزه متوفیات تابع اداره ثبت
احوال شهرستان تهران به شماره ۱۵۶۵۰۳ ثبت شده است.
این رونوشت خلاصه مرگ بدون هیچ عیب و خدشه و قلم خوردگی
بر حسب تقاضانامه کتبی به خانم بانو عفت فرزند غلامحسین تسلیم
گردید.

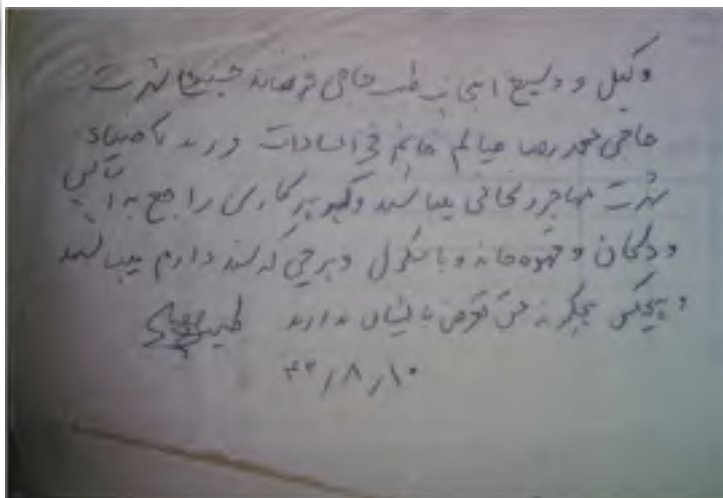
محل امضاء نماینده و مهر حوزه رئیس بخش ثبت درگذشتگان
اداره ثبت احوال شهرستان
مهر و امضاء

نمونه ۸۲-۵۰۰۰ ب چاپ اسفرفانی ۴۲/۳.



وصیت‌نامه دست‌نویس طیب حاج‌رضایی، که در تاریخ ۱۳۴۲/۸/۱۰، یک روز پیش از تیرباران و در آخرین ملاقات با خانواده، به بیژن حاج‌محمد‌رضا، فرزند بزرگ طیب از همسر دوم، تحویل داده شد.
متن وصیت‌نامه:

وکیل و وسیع (وصی) این جانب طیب حاجی، فرزند حسینعلی شهرت حاجی محمد‌رضا، عیالم خانم فخرالسادات فرزند آقا ضیاء شهرت مهاجر زنجانی می‌باشند که هر کاری راجع به اساس (اثاث) و دکان و قهوه‌خانه و باسکول و هرچی که سند دارم می‌باشند و هیچ کس هیچ‌گونه حق تعرض به ایشان ندارند. امضا: طیب. ۴۲/۸/۱۰.






وصیت‌نامه طیب حاج‌رضایی که در حضور و توسط قاضی عسگر در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۴۲ تنظیم شد.

متن کامل:

ارتش شاهنشاهی ایران

نیروی زمینی

اداره:

دائرة:

شماره:

سرهنک عباس‌زادی، امضاء

افسر سرنگهبان سروان آژیر، امضاء ۸/۱۱

دادستان سرهنک قانع، امضاء ۴۲/۸/۱۱

سرتیپ (ناخوانا)، امضاء ۴۲/۸/۱۱

از نگهبان پاسدارخانه (ناخوانا) محمود ربانی ۴۲/۸/۱۱

محل امضاء ۸/۱۱

در تاریخ ۴۲/۸/۱۱ در ساعت چهار صبح در حضور تیمسار معظم، فرماندهی محترم تیپ نادری و نماینده محترم دادستان ارتش، سرهنک قانع و جناب سرهنک تنها، ریاست محترم رکن یکم و جناب سرگرد عباس‌زادی ریاست محترم شعبه قضایی و ستوان یکم افسر نگهبان و ستوان یکم ربانی و افسر سرنگهبان سروان آژیر، آقای طیب حاج‌رضایی، حاضر و به شرح زیر وصیت خود را بیان کرد: آنچه دارایی منقول و غیر منقول دارم به اختیار فخرالسادات مهاجر زنجان‌ی می‌گذارم و مرا ببرند در شاه‌عبدالعظیم پهلوی قبر مادرم دفن کنند. به وسیله اقوام خودم، وصیتی که قبلاً کرده‌ام، در دست فخرالسادات (ناخوانا) گواهی شود و اجرا گردد.

امضاء طیب

خانم فخرالسادات حق عیال دیگرم را که عفت خانم است هر چه هست مطابق قانون شرع بدهد و جهازی دخترم را هر چه خواسته بخزند و بدهند.

امضاء طیب

در حضور این جانب، قاضی عسگر تیپ نادری، آقای طیب، وصیت‌نامه را اقرار کرد.

امضاء طیب

